

Linguistic Study of African Countries' Names

Hamed Molaei Kouhbanani¹

Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Foreign Languages, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran

(Corresponding author)

<https://orcid.org/0000000179808472>

Abouzar Oraki²

Assistant Professor of English Translation, Department of Translation Studies, Faculty of Foreign Languages, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran

Faezeh Iranpour³

MA Student of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Foreign Language, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran

Received: January 20, 2025 ✦ Revised: June 05, 2025

Accepted: July 05, 2025 ✦ Published Online: November 16, 2025

How to cite this article:

Molaei Kouhbanani, H., Oraki, A., & Iranpour, F. (2025). Linguistic Study of African Countries' Names. *Journal of Linguistics and Khorasan Dialects*, 17 (3), 133–165. (in Persian with English abstract)

<https://doi.org/10.22067/jlkd.2025.91938.1299>

Abstract

This study investigates the African toponyms based on two linguistic criteria. The first criterion is the main factor for calling African countries. In other words, we try to determine the different social factors of the African toponyms. The second criterion is related to Persian equivalences of African toponyms. In this part, the word formation processes, which are used for naming African countries in Persian, are explored. Accordingly, 50 African country names were selected. The results of the first part show that there are seven factors for the African toponyms. Among them, the name of “geographical features” is the most popular one, since it is in 21 African toponyms. Other factors are the name of tribes and nations, people characteristics, Kingdom dynasty, the name of products, the name of a person, and geographical direction. The results of the second criterion also show that there are three word formation processes for naming African toponyms including borrowing, coinage, and loan translation. The most popular one is borrowing, used in 45 Persian equivalents of African toponyms. Coinage is used for the formation of two African toponyms in Persian, and three African toponyms are the result of loan translation in Persian.

Keywords: Toponym, Etymology, Translation Study, Sociolinguistics.

1. Email: h.molaei@vru.ac.ir

2. Email: a.oraki@vru.ac.ir

3. Email: faeze.iranpour76@gmail.com



تحلیل زبان‌شناختی جای نام کشورهای آفریقایی

حامد مولایی کوهبنانی

استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان (نویسنده مسئول)^۱

<https://orcid.org/0000000179808472>

ابوذر اورکی

استادیار مترجمی زبان انگلیسی، گروه مطالعات ترجمه، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان^۲

فائزه ایران‌پور

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان^۳

صص ۱۳۳-۱۶۵

ارجاع به این مقاله:

مولایی کوهبنانی، ح.، اورکی، ا.، و ایران‌پور، ف. (۱۴۰۴). «تحلیل زبان‌شناختی جای نام کشورهای آفریقایی»، *زبان‌شناسی و گویش های خراسان*، ۱۷ (۳)، صص ۱۳۳-۱۶۵.

<https://doi.org/10.22067/jlkd.2025.91938.1299>

چکیده

بررسی نام‌های خاص یکی از حوزه‌های مطالعاتی جالب توجه در زبان‌شناسی اجتماعی محسوب می‌شود که به شاخه نام‌شناسی معروف شده است. این شاخه به زیرشاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که یکی از شاخه‌شده‌ترین آن‌ها «جای نام‌شناسی» است. جای نام‌شناسی به بررسی نام مکان‌های جغرافیایی براساس اصول زبان‌شناسی می‌پردازد. پژوهش حاضر نیز درصدد است با تکیه بر دو معیار به بررسی جای نام کشورهای قاره آفریقا بپردازد. براین اساس، پژوهش حاضر دو هدف عمده دارد. هدف نخست، تعیین عوامل اصلی مؤثر در نام‌گذاری کشورهای آفریقایی است؛ به عبارت دیگر، با بررسی ریشه‌شناختی نام کشورهای آفریقایی به دنبال تعیین عوامل اجتماعی مختلفی همچون سیاست، جغرافیا، مذهب و ... در نام‌گذاری کشورهای آفریقایی خواهیم بود. هدف دوم، بررسی نحوه کاربرد نام بین‌المللی جای نام‌های آفریقایی در فارسی است. براین اساس، ضمن مقایسه نام بین‌المللی هر کشور با صورت رایج آن در فارسی معیار، روش ورود و نحوه کاربرد آن جای نام در فارسی را بررسی خواهیم کرد. برای نیل به این اهداف، پیکره پژوهش شامل ۵۰ جای نام از کشورهای آفریقایی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش در مورد معیار نخست نشان داد که از میان ۷ عامل ویژگی‌های جغرافیایی، نام قوم و قبیله، ویژگی مردمان، نام پادشاه، نام محصول رایج، نام شهر و جهت جغرافیایی، عامل نخست یعنی ویژگی‌های جغرافیایی با میزان فراوانی ۲۱ مورد، تأثیرگذارترین عامل در نام‌گذاری کشورهای آفریقایی محسوب می‌شود. نتایج مربوط به هدف دوم نیز نشان داد که قرض‌گیری، مهم‌ترین عامل در کاربرد جای نام کشورهای آفریقایی در فارسی است؛ چراکه جای نام ۴۵ کشور براساس فرایند قرض‌گیری مستقیم در فارسی کاربرد دارند. پس از قرض‌گیری، فرایندهای ترجمه قرضی و ابداع نیز در نحوه کاربرد تعدادی از جای نام‌های آفریقایی در فارسی دخیل هستند.

کلیدواژه‌ها: جای نام، ریشه‌شناسی، ترجمه‌شناسی، زبان‌شناسی اجتماعی، نام‌شناسی.

ارسال: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷؛ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۳؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷؛ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

1. h.molaei@vru.ac.ir

1. a.oraki@vru.ac.ir

1. faeze.iranpour76@gmail.com

پست الکترونیکی:

پست الکترونیکی:

پست الکترونیکی:

۱. مقدمه

زبان‌شناسی اجتماعی به آن شاخه از زبان‌شناسی اطلاق می‌شود که با مطالعه و بررسی روش‌مند زبان می‌توان از طریق آن به خاستگاه و بافت اجتماعی پی برد. به اعتقاد مدرسی (۱۳۶۸) در زبان‌شناسی اجتماعی تنها به الگوهای زبانی پرداخته نمی‌شود بلکه از دیدگاهی کلی‌تر، ابعاد هنجارهای فرهنگی، توقعات و بافت اجتماعی و ویژگی‌ها جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و جغرافیای انسانی موردتوجه و بررسی قرار می‌گیرد. یکی از مباحث مطرح در زبان‌شناسی اجتماعی، بررسی زبان‌شناختی نام‌های خاص است. بر اساس نظر زندی و احمدی (۱۳۹۵) مطالعه نام‌های خاص در علوم فلسفه، حقوق، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات ترجمه و بین‌فرهنگی، ادبیات، تاریخ، باستان‌شناسی و زبان‌شناسی موردتوجه پژوهش‌گران مختلف بوده است. این حوزه در زبان‌شناسی باعث ایجاد شاخه‌ای تحت عنوان نام‌شناسی^۱ شده که اخیراً از جانب پژوهش‌گران ایرانی بیشتر موردتوجه قرار گرفته است. کریستال^۲ (۲۰۰۸) طبق تعریفی سنتی، نام‌شناسی را بخشی از دانش معنی‌شناسی در علم زبان‌شناسی معرفی می‌کند، اما امروزه نام‌شناسی در سایر شاخه‌های زبان‌شناسی همچون ساختواژه، زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی شناختی نیز موردتوجه پژوهش‌گران است. کوتس^۳ (۲۰۱۳) در همین زمینه عقیده دارد که امروزه نام‌شناسی چنان گسترده شده که می‌توان چند حوزه برای آن نظر گرفت. وی انسان‌شناسی، نام‌شناسی گروه‌های انسانی، نام‌شناسی مکان‌های جغرافیایی و نام‌شناسی حوزه نجوم را به‌عنوان اصلی‌ترین حوزه‌ها معرفی می‌کند. نام‌شناسی مکان‌های جغرافیایی تحت عنوان «جای‌نام‌شناسی» شناخته می‌شود. منظور از جای‌نام^۴ واژه‌ای است که برای نامیدن مکان و یا موقعیت جغرافیایی خاصی به کار می‌رود.

پژوهش حاضر قصد دارد پرمبنای اصول جای‌نام‌شناسی، جای‌نام کشورهای قاره آفریقا را بر اساس دو هدف عمده زبان‌شناختی مورد بررسی قرار دهد. ذکر این نکته ضروری است که هدف پژوهش حاضر صرفاً جمع‌آوری جای‌نام کشورهای آفریقایی نیست، بلکه این پژوهش در صدد است تا براساس دو معیار زبان‌شناختی، سلسله‌مراتبی رده‌شناختی نیز برای جای‌نام کشورهای آفریقایی ارائه دهد. هدف نخست بررسی جای‌نام‌های این قاره از منظر زبان‌شناسی اجتماعی است. به این منظور با بررسی محتوایی صورت بین‌المللی هر جای‌نام، دلیل انتخاب آن جای‌نام

1. Onomastics
2. Crystal
3. Coates
4. Toponym

را بر اساس فاکتورهای اجتماعی همچون عوامل مذهبی، جغرافیای طبیعی، سیاسی و فرهنگی تعیین خواهیم کرد تا در پایان بتوان الگویی رده‌شناختی از تأثیرگذاری عوامل مختلف اجتماعی ارائه داد. هدف دوم، بررسی نحوه کاربرد نام بین‌المللی جای‌نام‌های آفریقایی در فارسی است. به اعتقاد زندی و همکاران (۱۳۹۴) از آنجاکه بین انسان‌ها به لحاظ عوامل مختلف، تنوعات بی‌شماری وجود دارد، زبان نیز به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، ثابت و بدون تنوع نیست. در نتیجه نحوه کاربرد اسامی خاص همچون صورت بین‌المللی جای‌نام کشورها ممکن است از زبانی به زبان دیگر متفاوت باشد. براین اساس، ضمن مقایسه نام بین‌المللی هر کشور با صورت رایج در فارسی، روش ورود و کاربرد آن جای‌نام در فارسی را بررسی خواهیم کرد. به‌منظور نیل به این اهداف با بررسی ۵۰ جای‌نام آفریقایی به دنبال تعیین معنی جای‌نام‌ها و نحوه ترجمه و کاربرد آن‌ها در زبان فارسی خواهیم بود. مهم‌ترین عاملی که باعث ایجاد ضرورت در انجام این پژوهش شد، فراهم کردن اطلاعاتی از جای‌نام کشورهای آفریقایی برای محققان زبان‌شناسی، علوم اجتماعی، تاریخ و جغرافیا است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های هدفمند در حوزه جای‌نام‌شناسی به زبان فارسی، عمدتاً از اواخر دهه ۱۳۷۰ شمسی آغاز شده‌اند. در یکی از نخستین پژوهش‌ها، رجب‌زاده (۱۳۷۸) به تبیین انگاره‌های نام‌گذاری، تحولات در طول زمان و رابطه نام‌گذاری با متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته است. نتایج وی نشان می‌دهد که تفاوت نام‌ها مبتنی بر متغیرهای نام‌برده شده با نام‌های فارسی و عربی کاربرد بیشتری داشته‌اند. افشار سیستانی (۱۳۸۲) نیز اطلاعاتی درباره موقعیت جغرافیایی، وجه‌تسمیه و پیشینه تاریخی بسیاری از شهرهای ایران را گردآوری کرده است. وی نتیجه می‌گیرد که عواملی مانند ناهموازی‌ها، آب و هوا، پوشش گیاهی و زندگی جانوری و بسیاری موارد مربوط به پیشینه تاریخی در نام‌گذاری شهرهای ایران دخیل هستند. طیب و علی‌نژاد (۱۳۸۲) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی گرایش‌های جدید نام‌گذاری از دیدگاه زبان‌شناسی»، نشان می‌دهند که چگونه نام‌گذاری‌ها، با حفظ ارزش‌های پیشین نیاز به روز شدن و متجدد به نظر رسیدن را پاسخ می‌دهند. احدیان (۱۳۸۸) هم در پژوهش خود به بررسی ریشه‌شناختی دو جای‌نام «نهاد» و «آدراپانا» در استان همدان پرداخته است. وی با استفاده از رویکرد نوین جای‌نام‌شناسی و بر پایه منابع معتبر زبان‌شناختی، تحلیلی ریشه‌شناختی برای این دو جای‌نام ارائه کرده است. در پژوهشی دیگر با عنوان «درآمدی بر جای‌نام‌شناسی ایران»، بختیاری و احدیان (۱۳۸۸) به بررسی ریشه‌شناختی برخی جای‌نام‌های ایران

پرداخته‌اند. نتیجه این پژوهش حاکی از این است که با بازسازی صورت جای‌نام‌ها و مشخص کردن ریشه‌های عامیانه، می‌توان ریشه‌شناسی معینی را پیشنهاد نمود. یدالهی کاخ (۱۳۸۹) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی نام‌گذاری در شهر کرمان از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی» به دنبال دستیابی به ماهیت نام‌گذاری اسامی رسمی و غیررسمی شهر کرمان است. این پژوهش با روش توصیفی به بررسی مقوله‌های اجتماعی و فرهنگی شهر کرمان پرداخته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، نام‌گذاری در شهر کرمان در سه حوزه معابر، مدارس و مشاغل به سوی مقوله انسان‌مدار گرایش دارد. احدیان (۱۳۸۹) ساخت صرفی جای‌نام‌های استان همدان را مورد بررسی قرار داده است. وی برای هر یک از وندهایی که در ساخت جای‌نام‌ها دخالت دارند، کارکرد جدیدی در جای‌نام‌سازی به کار برده است که تاکنون مطرح نبوده است. اسدی (۱۳۸۹) نیز پژوهشی با عنوان «بررسی نام‌گذاری در شهر سنندج از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی» انجام داده است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که در شهر سنندج نام‌گذاری مشاغل به فراحوزه غیررسمی و نام‌گذاری معابر و مدارس به فراحوزه رسمی گرایش بیشتری دارند. آلیانی (۱۳۹۰) نیز پژوهشی با عنوان «بررسی کلان‌جای‌نام‌های استان گیلان» را انجام داده است. وی با تعیین ساختار و گونه‌شناسی تاریخی جغرافیایی، به دسته‌بندی انواع جای‌نام‌ها بر اساس علت نام‌گذاری آن‌ها می‌پردازد. باستانی راد و مردوخ (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی جای‌نام‌ها در جغرافیای تاریخی ایران» بیان می‌دارند گونه‌شناسی جای‌نام‌ها به عنوان بررسی ریشه‌شناختی نام‌های جغرافیای نقش مهمی در شناخت نام‌ها دارد. در این پژوهش با تعیین ساختار و گونه‌شناسی تاریخی-جغرافیایی به دسته‌بندی انواع جای‌نام‌ها بر اساس علت‌یابی در نام‌گذاری‌ها اشاره شده است. رفاهی (۱۳۹۳) در پژوهشی به معرفی مبانی نظری توپونیمی و اصول شناسایی اسامی جغرافیایی سرزمین ایران پرداخته است. در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی جای‌نام‌های بخش اسالم شهرستان تالش»، کیشه‌خاله و ملیحی (۱۳۹۵) توصیفات مربوط به جای‌نام‌های تالشی در بخش اسالم تالش را جمع‌آوری کرده‌اند. آن‌های ضمن دسته‌بندی عناصر تشکیل‌دهنده جای‌نام‌ها، به بررسی انواع جای‌نام‌های اصلی عناصر تشکیل‌دهنده آن‌ها و تحلیل ساختار و واژه‌ای آن‌ها پرداخته‌اند. سبزعلیپور (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی با عنوان «تاملی بر جای‌نام‌شناسی منطقه تات‌زبان شاهرود و خلخال» انواع جای‌نام‌های مناطق تات‌زبان شاهرود و خلخال را مشخص کرده است. رضایی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «از خلمان تا الون سرگذشت چهار هزار ساله؛ یک جای‌نام باستانی» به بررسی پیشینه استقرارهای باستانی واقع در محدوده شهر امروزی سرپل‌ذهاب و برخی ویژگی‌های تاریخی این دیار و سیر تحول جای‌نام‌های مرتبط با آن پرداخته است. آساطوریان (۱۳۹۸) نیز پژوهشی در این زمینه و با عنوان «وند لاه در اعلام

جغرافیای حوزه کاسپین» انجام داده است. وی معتقد است که «وند لاه» به احتمال بسیار از نام یک قوم اخذ شده است و تمامی اعلام جغرافیای ساخته شده با این وند یا واژه به یک گروه قوم جای نام تعلق دارند. در این راستا برخی مسائل روش شناختی وابسته به جای نام‌های مشتق شده از نام اقوام و نژادها نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. برجیان (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی تحت عنوان «جای نام‌شناسی البرز مرکزی» الگوهای لفظی در البرز مرکزی را بررسی کرده است. نتایج وی نشان می‌دهد علاوه بر الگوهای لفظی شواهد کثیر تغییر معنایی هم در جای نام‌ها مطرح می‌شود. نفیسی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «پیشنهادی در ریشه‌شناسی جای نام ابهر» با به کار گیری دو واژه فراگیری و گسترده آب و اب به ارتباط بین آب ab و ب ab در بخش نخست جای نام پرداخته است. سپس روند تحول و دگرگونی آوایی در بخش دوم این جای نام یعنی har «هر» روشن کرده است. قلعه خانی و دورودی (۱۳۹۸) نیز پژوهشی با عنوان «بررسی ریشه‌شناختی تعدادی از جای نام‌ها با ساختاری کهن در گویش مردم شیراز» انجام داده‌اند. نتایج ایشان نشان داد تعداد کثیری از جای نام‌ها با وجود دیرینگی هنوز به همان شکل کهن در میان گویشوران شیرازی خوانش می‌شوند. طامه (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی با عنوان «سازه‌های جای نام‌ساز در کده‌نام‌های ترکیبی ایران و نقش آن‌ها در ایجاد هویت فرهنگی و ملی» نشان می‌دهد که استفاده از سازه‌های جای نام‌ساز مشترک و شفاف راهکاری بوده که اقوام ایرانی در انتخاب نام مکان‌های جغرافیایی به کار می‌برده‌اند. حیدری و برآبادی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «جای نام‌شناسی آبادی‌های شهرستان بیرجند» بیان می‌کنند که واژه‌هایی مانند خان و ماه و مشتقات آن‌ها در جای نام‌های شهرستان بیرجند بسامد بالایی دارند. حیدری و اسماعیلی جلودار (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «پیشنهادی بر جای نام‌شناسی شهر ترشیز بر اساس مطالعات میان‌رشته‌ای» نتیجه می‌گیرند که با تکیه کردن بر آگاهی‌های منابع نوشتاری محوطه‌های مهم شناسایی شده منطقه باستانی فیروزآباد را به عنوان نزدیک‌ترین گزینه احتمالی برای جای نام ترشیز نشان داد. آساطوریان (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «جای نام گردمان در ارمنستان از کجا می‌آید» در خصوص وجه اشتقاق جای نام گردمان در ارمنستان پژوهشی داشته است. به عقیده وی این جای نام، منشأ قفقازی ندارد و به هیچ یک از قوم‌نام‌های قفقازی شبیه نیست. وی بیان می‌کند که گردمان به احتمال زیاد ریشه در زبان‌های ایرانی دارد و از زبان پارتی یا مادی میانه به یادگار مانده است. زندی، مشرعی و یوسفی‌راد (۱۴۰۰) هم در مقاله‌ای با عنوان «نقشه راه مطالعات نام‌شناسی؛ از رویکرد سنتی تا رویکرد شناختی - اجتماعی» با استفاده از روش پژوهش اسنادی به تدوین نقشه مطالعاتی نام‌شناسی شناختی پرداخته است. مرتبط‌ترین اثر به پژوهش حاضر را مولایی کوهبنانی و همکاران (۱۴۰۳) انجام داده‌اند. در این پژوهش که با عنوان «مطالعه نام

کشورهای اروپایی از منظر زبان‌شناسی اجتماعی» ارائه شده است، معیارهای اجتماعی دخیل در نام بین‌المللی کشورهای اروپایی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نام قوم و قبیله تأثیرگذارترین عامل محسوب می‌شود؛ چراکه مجموعاً ۲۴ کشور در اروپا براساس نام قوم یا قبیله، نام‌گذاری شده‌اند. علاوه بر این، عواملی همچون منطقه یا ویژگی جغرافیایی، شخص، حیوان، اثر تاریخی و عنصر طبیعی نیز در نام‌گذاری کشورهای اروپایی دخیل هستند.

در بعد بین‌المللی آثار در دسترس مرتبط با جای‌نام‌شناسی گستره بسیار بیشتری دارند. کهل^۱ (۱۹۷۱) برای نخستین بار پیوستگی نام‌شناسی و زبان‌شناسی اجتماعی را مطرح کردند؛ اما ونلانگندونک^۲ (۲۰۰۷) به‌طور منسجم به تحلیل و بررسی نام در یک راستای منظم پرداخت و در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۲ اصطلاح نام‌شناسی را به کار برد. افرادی چون آگیکوم^۳ (۲۰۰۶)، الزومر^۴ (۲۰۰۹) و اگون‌واله^۵ (۲۰۱۲) نیز از آثاری هستند که از جنبه زبان‌شناختی به بررسی جای‌نام کشورها پرداخته‌اند. باین‌حال، این سه اثر نیز تنها به ارائه الگوهای نظری برای مطالعه جای‌نام کشورها پرداخته‌اند و هیچ کدام منحصرأ به بررسی جای‌نام تعدادی از کشورهای دنیا نپرداخته‌اند. براساس آنچه نگارندگان مورد بررسی قرار داده‌اند، تاکنون پژوهشی که به بررسی جای‌نام کشورهای آفریقایی از جنبه زبان‌شناختی پرداخته باشد، یافت نشده است. با توجه به عدم وجود پژوهشی با این هدف به زبان‌های فارسی و انگلیسی نگارندگان اقدام به انجام پژوهش در این زمینه کردند تا از این طریق اطلاعاتی برای محققان زبان‌شناسی، علوم اجتماعی، تاریخ و جغرافی فراهم گردد.

۳. مبنای نظری

پژوهش حاضر در قالب اصول کلی جای‌نام‌شناسی به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های نام‌شناسی شکل گرفته است. نام‌شناسی در مورد جای‌نام مکان‌ها و در مورد اشخاص به کار گرفته می‌شود (کریستال، ۲۰۰۸). لباو^۶ (۱۹۷۲) عقیده دارد که زبان‌شناسی اجتماعی نام‌شناسی را از دانشی ناشناخته به دانشی حائز اهمیت برای مطالعه تبدیل کرده است. به باور آلگو^۷ (۱۹۹۲) نخستین مطالعات در حوزه نام‌شناسی که در زیر مجموعه زبان‌شناسی تاریخی قلمداد

1. Khel
2. Ven langendonck
3. Agyekum
4. Al-Zumor
5. Ogonwale
6. Labav
7. Algeo

شده است، در اوایل قرن بیست و یکم، تخصصی‌تر شده و به دیگر شاخه‌های زبانی راه یافته است. جای‌نام‌شناسی، شاخه‌ای از نام‌شناسی است که به بررسی نام‌های جغرافیایی می‌پردازد. به اعتقاد سبزعلی‌پور و جعفری دهقی (۱۴۰۰، ص. ۱۱۱) نیز آنچه در نام‌شناسی مد نظر است، بررسی نام‌ها از نظر تاریخ، ریشه و نیز ساختار آن‌هاست. ابوالقاسمی (۱۳۸۹، ص. ۵۰) بیان می‌کند توپونیمی واژه‌ای یونانی است که از دو بخش «topo» به معنی زمین و «onim» به معنی نام تشکیل شده است. نوبان (۱۳۷۴) نیز بیان می‌کند که تاریخ، جغرافیا و زبان‌شناسی با جای‌نام‌شناسی مرتبط‌اند. جای‌نام‌شناسی بدین دلیل با تاریخ ارتباط دارد که تحولات سیاسی و نیز اجتماعی همیشه بر زبان و بر نام‌های جغرافیایی یک زبان تأثیر می‌گذارند. وی بیان می‌کند که هر کشوری مطابق با اهداف و سیاست‌های خویش در نام‌گذاری جای‌نام‌ها تغییراتی ایجاد می‌کند، نام‌های تاریخی را تغییر می‌دهد یا نام‌های جدید را طبق زمان و نیاز خود انتخاب می‌کند؛ پس برای شناخت یک جای‌نام، شناخت تاریخی آن ضروری است. مدرسی (۱۳۸۶، ص. ۲) نیز بیان می‌دارد که نام‌ها سیر حیات و مماتی دارند؛ عناصر واژگانی هر زبانی، ناگزیر از این تغییر و تحولات تأثیر می‌پذیرند زیرا در جامعه ایجاد و هویت‌ساز می‌شوند، ادامه حیات می‌دهند و ممکن است در کاربرد شفاهی و جمعی دست‌خوش تغییراتی شده و تبدیل به نامی مرده شوند. به باور جردن و رواتری (۱۳۸۰، ص. ۲۱۷) نیز انتخاب جای‌نام برای هر کشوری ممکن است براساس یکسری از عوامل از بین برود. آن‌ها ابراز می‌کنند که زبان‌شناسی نیز می‌تواند با شناخت اجزای یک زبان نام، تلفظ دقیق، معنا و سایر اجزای زبانی جای‌نام را برای ماروشن سازد. یکی از نمودهای جای‌نام‌شناسی در بحث جای‌نام کشورهاست. الزومر (۲۰۰۹، ص. ۱۶) به نقل از زلینسکی^۱ (۱۹۷۰، ص. ۷۴۳) بیان می‌کند که رویه‌ها و الگوهای انتخاب نام کشور می‌توانند ایده‌آل‌ترین سنجه در تحلیل تنوع مکانی و زمانی در تمام نظام‌های فرهنگی باشند. ونلانگندونک (۲۰۰۷، ص. ۳۲۰) نیز بیان می‌کند که بررسی و مطالعه تحولات جوامع و زبان‌ها با استفاده از نام‌ها میسر می‌شود؛ زیرا تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی، تغییرات فرهنگی و زبانی مهمی در پی دارند که در هر زبانی رخ می‌دهند. فرکس^۲ (۲۰۱۵) نیز اعلام می‌کند که تغییر در نام ممکن است با گذر زمان و با تغییر در نگرش‌های جامعه زبانی حاصل شود و بدین ترتیب، نام‌های مورد استفاده، از نسلی به نسل دیگر و تحت تأثیر تحولات گوناگون دست‌خوش تغییراتی شوند. امروزه با گسترش حوزه‌های مختلف، مطالعات در حوزه نام‌شناسی نیز به لحاظ نظری و کاربردی تحول اساسی پیدا کرده و

1. Zelinsky

2. Farkas

یافته‌ها از جامعیت بیشتری برخوردار شده است. به اعتقاد برنز^۱ (۲۰۱۵، ص. ۱۸) نیز مؤلفه‌های فرهنگی و سیاسی تاریخی اجتماعی برای برگزیدن نام کشورها مهم هستند. وی بیان می‌کند که نام‌شناسی به بررسی و مطالعه تاریخیچه نام کشورها از گروه‌های اجتماعی یا منطقه خاص می‌پردازد و برای پی بردن به الگوی توسعه جغرافیایی یا اجتماعی آن‌ها استفاده می‌شود و دستگاه‌های زبانی را که برای تولید نام و زنده و فعال نگه داشتن آن‌ها در بستر زبان یا زبان‌های جامعه مورد نظر به کار می‌روند، مطالعه می‌کند.

۴. روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای است؛ به این منظور، پیکره پژوهش حاضر که شامل ۵۰ جای‌نام از کشورهای قاره آفریقا است که براساس آخرین اطلاعات سایت سازمان ملل به آدرس un.org/dgacm/en/content/regional-group و همچنین سایت معتبر worldometers.info استخراج شده است. نگارندگان با انطباق این دو به مجموع ۵۰ کشور آفریقایی رسیدند. سپس با توجه به اهداف پژوهش حاضر در دو مرحله به بررسی و تحلیل داده‌ها از دو جنبه زبان‌شناختی مختلف پرداخته شده است.

در مرحله نخست، ابتدا با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای معتبر همچون اورت‌هت^۲ (۲۰۲۰)، رپر و مولر^۳ (۲۰۱۴) شاهمیری (۱۳۹۸) و خیراندیش و شایان (۱۳۷۰) به بررسی ریشه‌شناختی جای‌نام‌های مذکور پرداخته شده است. پس از آن با استناد به اثر اورت‌هت^۲ (۲۰۲۰) به عنوان منبع اصلی در تعیین معیار نام‌گذاری جای‌نام‌های آفریقایی و با استناد به معیارهای اجتماعی بررسی جای‌نام‌ها، به تعیین عوامل مؤثر در نام‌گذاری هر کدام از جای‌نام کشورهای آفریقایی پرداخته شده است تا بر اساس بسامد وقوع هر معیار بتوان سلسله‌مراتب رده‌شناختی برای عوامل مؤثر در کاربرد این جای‌نام‌ها ارائه کرد. در مرحله دوم، نحوه کاربرد هر جای‌نام در زبان فارسی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت تا مشخص شود چه فرایندهای زبانی و واژه‌سازی در نامیدن کشورهای آفریقایی در زبان فارسی دخیل هستند.

1. Burns

2. Everett-Heath

3. Raper & Moller

۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش ابتدا داده‌های مربوط به جای‌نام آفریقایی با استناد به منابع معتبر ارائه خواهد شد و پس از آن در بخش بحث و بررسی به تبیین زبان‌شناختی نحوه کاربرد داده‌ها براساس دو معیار زبان‌شناختی اصلی مدنظر در پژوهش حاضر پرداخته خواهد شد.

۱-۵ ارائه داده‌ها

همان‌گونه که ذکر شد، پیکره پژوهش حاضر شامل ۵۰ جای‌نام آفریقایی می‌شود که با استناد به سایت سازمان ملل استخراج شده‌اند. شایان ذکر است که دو کشور آفریقای جنوبی و آفریقای مرکزی در این پژوهش تحت عنوان یک جای‌نام مورد بررسی قرار گرفتند چراکه معنای اصلی جای‌نام، آن مفهومی که در پژوهش حاضر مدنظر است، در واژه آفریقا بوده و اصطلاحات شمالی و جنوبی به موقعیت جغرافیایی این دو در قیاس با یکدیگر اطلاق شده است. از طرف دیگر، کشور مراکش دارای جای‌نام مغرب نیز هست و چون هر دو جای‌نام در این پژوهش مدنظر بودند، هر کدام به‌عنوان یک جای‌نام در نظر گرفته شدند و در نتیجه ۵۰ جای‌نام در پژوهش حاضر برای قاره آفریقا در نظر گرفته شده است.

۱. آفریقا (آفریقای جنوبی و آفریقای مرکزی)

جای‌نام بین‌المللی این کشور South Africa است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۴۹۴) بیان می‌کند نام آفریقا احتمالاً از لاتین یا یونانی به معنای «سرزمین بدون سرما» است. بنا به گفته [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۹) نیز آفریقای جنوبی در جنوبی‌ترین قسمت قاره آفریقا قرار گرفته و به این دلیل به این نام شناخته می‌شود. آن‌ها می‌افزایند که به دلیل برخورد با توفان‌های شدید، آنجا را «دماغه توفان‌ها» نامیدند. به نظر رپر و مولر (۲۰۱۴) این منطقه تحت عنوان «Good hope» شناخته می‌شود که این نام به دلیل دسترسی اروپائیان به مشرق زمین از این نقطه، به آن اطلاق شده است. [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۹) نیز عقیده دارند که این تعبیر از آفریقای جنوبی در زبان فارسی نیز با تعابیر «امید نیک» یا «دماغه امیدواری» به کار می‌رود.

۲. آنگولا

جای‌نام بین‌المللی این کشور Anguilla است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، صص. ۲۲-۲۳) بیان می‌کند تا پیش از قرن

۱۵ میلادی نام این کشور Ndongo بوده است. در آن دوران، پرتغالی‌ها به این منطقه آمدند و براساس نام حاکم، Ngola Kiluaniye، اسم این کشور را آنگولا نامیدند. بنا به اعلام [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۲۹) نیز نام این کشور از نام پادشاه پرتغالی آنگولا گرفته شده است. رپر (۱۹۹۱، ص. ۳۶) نیز ضمن تأیید مورد بالا اشاره می‌کند که بر همین اساس آنگولا را «پرتغال غرب آفریقا» نیز می‌نامند.

۳. اتیوپی

جای‌نام بین‌المللی این کشور Ethiopia است. بنا به باور [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۱۸۲) این نام در لاتینی به صورت Aethiops و در یونانی به صورت Aithiops به کار می‌رود که معنی «چهره آفتاب‌سوخته» می‌دهد. [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۳۶) بیان می‌دارند پیش از آن این کشور با جای‌نام «حبشه» به معنی «سرزمین قوم حبش» شناخته می‌شده است. این نام کمابیش در منابع اروپایی به صورت‌های abyssina یا abyssinie به کار می‌رود. وی اشاره می‌کند که «قوم کوش» نیز در این سرزمین بوده‌اند و به همین دلیل، در دوره‌ای این کشور را با این نام می‌شناختند که برگرفته از نام کوش، پسر سام که خود فرزند نوح پیامبر بوده، گرفته شده است. از نظر آن‌ها نیز از سال ۱۹۴۱ و پس از استقلال کامل این کشور، نام اتیوپی توسط اروپاییان به این کشور داده شد. آن‌ها اشاره می‌کنند که معنای تحت‌اللفظی اتیوپی «سرزمین صورت‌سوختگان» است.

۴. اریتره

جای‌نام بین‌المللی این کشور Eritrea است. بنا به تعریف [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۱۸۲) اریتره در ایتالیایی با ریشه Mare به معنای «دریای سرخ» است. رپر (۱۹۹۱، ص. ۴۲) نیز اریتره را معادل «دریای سرخ» و از ریشه‌ای لاتینی می‌داند.

۵. اسواتینی

جای‌نام بین‌المللی این کشور Eswatini یا Swaziland است. به گفته [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۵۰۸) نام سوازیلند مأخوذ از نام قومی به‌نام «Swazi» است؛ بدین لحاظ سوازیلند یا سرزمین سوازی‌ها خوانده می‌شود. بنا به باور [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۳۲) در زبان محلی مردم سوازیلند را «آنگوا-نگوان» می‌خوانند که نام قدیمی آن کشور بوده است.

۶. الجزایر

جای‌نام بین‌المللی این کشور Algrea است. بنا به اعلام [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۱۴) نام عربی الجزائر به معنای جزایر، و صحرا است. به عقیده [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۴۷۵) مردم الجزایر از بربرها هستند و به همین لحاظ این منطقه «بربرستان» نیز نامیده شده است. لازم به ذکر است که نام اصلی این سرزمین جزایر بوده و «ال» تعریف در زبان عربی بر آن افزوده شده و به صورت الجزایر درآمده است. [شاهمیری](#) (۱۳۹۸، ص. ۸۵) عقیده دارد که ایرانیان باستان و خصوصاً ساسانیان سرزمین‌های شمالی میان دورود دجله و فرات را «گزیرک» می‌نامیدند که وارد زبان عربی شده و به شکل «جزیره» و «الجزائر» درآمده است.

۷. اوگاندا

جای‌نام بین‌المللی این کشور Uganda است. در زبان رسمی این کشور یعنی سواحیلی، به صورت Uganda به کار می‌رود. به اعلام [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۵۳۹) نام اوگاندا اصطلاحی سواحیلی برای Bu Uganda است. این جای‌نام از سواحیلی گرفته شده که دارای دو بخش و به معنی «سرزمین مردم گاندا» است. به عقیده [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۵۹) این سرزمین حکومت پادشاهی بنام بوگاندا Buganda وجود داشت و به همین جهت این سرزمین بوگاندا نامیده می‌شد. بعدها کلمه اوگاندا رایج گردید که از نسبت بین این کلمه و بوگاندا اطلاعی در دست نیست.

۸. بنین

جای‌نام بین‌المللی این کشور Benin است. به عقیده [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۷۹۰) در گذشته جای‌نام این کشور به صورت Dahomi بوده که نام یکی از رؤسای باستانی به‌نام قلمداد می‌شده است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۶۱) بیان می‌کند دو فرضیه برای این جای‌نام مفروض است؛ اول اینکه این نام ممکن است از نام قوم «بینی» به‌عنوان ساکنان اصلی آن گرفته شده باشد. بر اساس فرضی دیگر، نام بنین در اصل مأخوذ از نام رود معروف آن است. [رپر](#) (۱۹۹۱، ص. ۵۲) نیز به احتمال ارتباط این جای‌نام با رودی با این نام اشاره کرده است.

۹. بوتسوانا

جای‌نام بین‌المللی این کشور Botswana است. به اعتقاد [اورت‌هیت](#) (۲۰۲۰، ص. ۷۴) این کشور در گذشته با نام‌های دیگری همچون Botswana و Bechuanaland شناخته می‌شده است. به نظر وی، این جای‌نام از نام قوم بزرگ «Tswana» به معنی «جداکننده» نشأت می‌گیرد. به عقیده [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۷۹) این کشور به علت آن‌که در مجاورت صحرای کالاهاری در جنوب آفریقا قرار دارد به کشور «کالاهاری» نیز معروف است.

۱۰. بورکینافاسو

جای‌نام بین‌المللی این کشور Burkina Faso است. بنا به اعلام [اورت‌هیت](#) (۲۰۲۰، ص. ۷۴) این جای‌نام در گذشته به صورت Upper Volta به کار می‌رفته که برگرفته از نام سه رودخانه اصلی در این کشور، Black Volta، White Volta و Red Volta بوده است. جای‌نام کنونی، کلمه‌ای دو بخشی است که بخش نخست، «Burkina» به معنی «صادق» و بخش دوم، «Faso»، به معنی «سرزمین پدری» است. در نتیجه، بورکینافاسو معنی تحت‌اللفظی «سرزمین مردان صادق» دارد. به عقیده [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۸۲) در گذشته به این منطقه کشور دوزنقه نیز می‌گفتند چراکه نقشه این کشور تقریباً به شکل هندسی دوزنقه شبیه است. براساس نظر آن‌ها نیز، بورکینافاسو به معنی «سرزمین مردم نیکوکار» است.

۱۱. بوروندی

جای‌نام بین‌المللی این کشور Burundi است. بنا به تعریف [اورت‌هیت](#) (۲۰۲۰، ص. ۸۳) این کشور در گذشته با نام‌هایی همچون Burundi/Ravanda نیز شناخته می‌شده است. به نظر وی، این زبان از نام محلی kirundi است که از نام قوم «رونندی» گرفته شده است.

۱۲. تانزانیا

جای‌نام بین‌المللی این کشور Tanzania است. بنا به تعریف [اورت‌هیت](#) (۲۰۲۰، ص. ۵۱۴) این کشور نام خود را از نام یک دریاچه گرفته است. نام Tangania با لازم‌الاجرا شدن حکم جامعه ملل به کار گرفته شد. بر اساس نظر

وی، ساختار جای‌نام این کشور از به هم پیوستن دو سرزمین زنگبار و تانگانیا ساخته شده است؛ زنگبار به معنای «سرزمین سیاهان» و تانگانیا به معنای «پیوستن» است. به عقیده [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۹۴) نام تانگانیکا و سپس تانزانیا از نام یک دریاچه یا شهر بزرگ Tanga در این منطقه گرفته شده و توسط آلمان‌ها رایج شده است.

۱۳. توگو

جای‌نام بین‌المللی این کشور Togo است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۵۲۵) بیان می‌کند در زبان توگویی این جای‌نام به صورت Togolaise به کار می‌رود. به نظر وی، این جای‌نام از نام دهکده‌ای که احتمالاً نام خود را از دریاچه توگو به معنای «آب» گرفته است و به «کرانه» یا «ساحل» تبدیل شده، منشعب شده است.

۱۴. تونس

جای‌نام بین‌المللی این کشور Tunes است. به بیان [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۵۳۴) جای‌نام تونس در گذشته به صورت Carthage بوده است. به همین جهت به آن کشور کارتاژ می‌گفتند این نام را در لاتین Carthago و در عربی Qartaja و در مواردی Qartaje نوشته‌اند. بر اساس نظر وی، منشأ این نام مشخص نیست اما ممکن است از ریشهٔ بربری «e-n-s» به معنای «اردو زدن در صحرا» باشد که اشاره به صحرای جذاب این کشور دارد. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۰۱) نیز نام کشور تونس مأخوذ از نام شهری به همین نام است که پایتخت کشور را تشکیل است.

۱۵. غنا

جای‌نام بین‌المللی این کشور Ghana است. به بیان [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۲۴۵) نام غنا به معنای «پادشاه جنگجوی قوی» است و عنوانی بود که به پادشاهان قرون وسطایی امپراتوری غنا در غرب آفریقا اعطا می‌شد زیرا این امپراتوری در شمال کشورهای امروزی مالی، سنگال و جنوب موریتانی قرار داشت. وی اضافه می‌کند که غنا به وفور معادن طلا معروف بود و از این رو در طی تجارت صحراگرد، توسط عرب‌ها «سرزمین طلا» نام گرفت. بنا به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۱۲) در سال ۱۹۲۸ میلادی برای مدتی کوتاه نام «آنگالند» مطرح شد. «آنگان»

نام یک گروه زبانی در این سرزمین است و از سال ۱۹۳۰ نام غنارایج شد.

۱۶. جیبوتی

جای‌نام بین‌المللی این کشور Dgibouti است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۱۵۴) بیان می‌کند که نام این کشور از کلمه‌ای عفار^۱، gabouri، به معنی «ورقه، صفحه» می‌آید. به نظر وی، این نام احتمالاً به این دلیل است که شهر در دشت ساحلی قرار دارد و توسط صحرای صاف و خشک احاطه شده است. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۰۴) در گذشته جای‌نام جیبوتی Afars and Issas بوده که در اصل مأخوذ از نام دو قبیله «عفار و عیسی» است. به گفته آن‌ها، نام این کشور را با دو املائی Djibouti و Jibuti می‌نویسند.

۱۷. چاد

جای‌نام بین‌المللی این کشور Chad است. به اعتقاد [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۱۰۰) این جای‌نام از نام رودخانه‌ای در غرب این کشور به همین نام گرفته شده است. از نظر وی، واژه چاد دارای ریشه عربی به معنی «دریاچه بزرگ» است. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۰۵) نیز این کشور به خاطر دریاچه معروف آن به این نام معروف شده است.

۱۸. دماغه سبز

جای‌نام بین‌المللی این کشور República de Cabo Verde است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۹۳) بیان می‌کند در زبان رسمی این کشور به صورت به کار می‌رود معنای تحت‌اللفظی این جای‌نام «شئل سبز» است که اشاره به گستره و پوشش سبز این منطقه دارد.

۱۹. رواندا

جای‌نام بین‌المللی این کشور Ravanda است. به عقیده [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۴۵۲) جای‌نام این کشور از نام مردمان قبیله vanyaruanda گرفته است.

۱. Afar: زبانی افرو-آسیایی که توسط مردم عفار در جیبوتی و اریتره مورد استفاده است.

۲۰. زامبیا

جای‌نام بین‌المللی این کشور Zamia است. به باور [اورت‌هیت](#) (۲۰۲۰، ص. ۵۷۸) نام این کشور از نام رودخانه زامبزی^۱، چهارمین رودخانه بزرگ آفریقا، گرفته شده است. به اعتقاد وی، این رود بخشی از مرز جنوبی زامبیا و زیمبابوه است. بنا به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۱۷) نیز نام زامبیا مأخوذ از رودی در این منطقه است.

۲۱. زیمبابوه

جای‌نام بین‌المللی این کشور Zimbabwe است. به نظر [اورت‌هیت](#) (۲۰۲۰، ص. ۵۸۲) این جای‌نام در زبان بانتو از دو بخش zimba، به معنی «خانه» و bahwe به معنی «سنگ» ساخته شده است. براین اساس، این کشور دارای معنی تحت‌اللفظی «محفظه سنگی» یا «سکونت‌گاه سنگی» است. به نظر [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۱۹) نیز زیمبابوه نام باستانی این سرزمین بوده که پس از چندین تغییر مجدداً و از سال ۱۹۸۰ میلادی مجدداً رونق گرفته است.

۲۲. ساحل عاج

جای‌نام بین‌المللی این کشور Ivory Coast است. [اورت‌هیت](#) (۲۰۲۰، ص. ۲۳۴) معتقد است این جای‌نام را اروپاییان و خصوصاً تجار پرتغالی و فرانسوی که به خرید و فروش عاج فیل مشغول بودند، به این منطقه داده‌اند. براساس نظر وی، این منطقه به واسطه وفور عاج فیل از جانب فرانسویان، Cote D'Ivoire نام گرفت. [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۲۵) بیان می‌دارند نام این کشور به علت وجود فیل‌های فراوان که عاج فراوانی از آن‌ها نصیب اروپائیان می‌شد به ساحل عاج معروف شد.

۲۳. سنگال

جای‌نام بین‌المللی این کشور Senegal است. بنا به گفته [اورت‌هیت](#) (۲۰۲۰، ص. ۴۷۵) سنگال نام خود را از رودخانه‌ای گرفته که مرز شمالی این کشور با موریتانی تشکیل داده است. به نظر وی، نام رودخانه نیز به دلیل سکونت قومی به نام Zenaga در حاشیه آن ایجاد شده است. براین اساس، می‌توان گفت که ریشه اصلی نام سنگال به قومی

1. Zambezi

با نامی از این ریشه برمی‌گردد. [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۳۱) اظهار کرده‌اند که نام سنگال از نام قبیله‌ای موسوم به نکا یا مسنکا گرفته شده است.

۲۴. سودان

جای‌نام بین‌المللی این کشور Sudan است. به بیان [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۵۰۳) این جای‌نام از ریشه عربی balad به معنی «ممالک» و Al-Sudan به معنی «سیاهان» گرفته شده است که به‌طور کلی معنی «سرزمین‌های سیاه‌پوستان» معنی می‌دهد. به نظر وی، این نام را گردشگرانی که به این منطقه سفر می‌کردند به آن داده‌اند. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۳۴) نیز اشاره می‌کنند که اعراب نام سودان را انتخاب کرده که به معنی «سرزمین سیاه‌پوستان» است.

۲۵. سومالی

جای‌نام بین‌المللی این کشور Somalia است. بنا به گفته [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۴۹۳) نام سومالی مأخوذ از نام قومی به نام «سومال» است؛ در زبان ساکنان این کشور به معنی «شیر» است و گفته‌اند چون این مردم از میهمانان با عطر و شیر استقبال می‌کردند، سومالی به «سرزمین عطر و شیر» هم مشهور شده است. [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۳۷) بیان می‌کنند که جای‌نام سومالی از نام مردمان بومی Somalis که در زبان Cushitic به معنای تیره (رنگ پوستشان) گرفته شده است. لازم به ذکر است، این کشور به «سرزمین خدایان» معروف بوده چراکه مصریان منشأ خدایان خود را از سومالی می‌دانستند.

۲۶. سیرالئون

جای‌نام بین‌المللی این کشور Sierra Leone است. بنا به اعلام [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۴۸۵) این جای‌نام برگرفته از یک واژه اسپانیایی متشکل از دو بخش، Sierra به معنی «اره» که اشاره به رشته کوه دارد، و Leone که به معنی «شیر» است تشکیل شده و دارای معنی تحت‌اللفظی «کوه‌های شیر» است. وی اشاره می‌کند که علیرغم این استدلالی، شیری در این منطقه وجود ندارد و آنچه تحت عنوان غرش شیر از کوه‌های این منطقه شنیده شده است، در واقع صدای رعد و برق است. به گفته [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۴۴) به دلیل شکل دایره‌مانند این منطقه، به آن «کشور مدور» نیز می‌گویند.

۲۷. سیشل

جای‌نام بین‌المللی این کشور Seychelles است. به باور [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۴۷۸) این کشور در گذشته نام‌های دیگری داشته و نام کنونی آن از سال ۱۷۵۶ و به واسطه نام حاکم فرانسوی این منطقه، Jean Moreau de Sechelles، به این نام خوانده می‌شود. [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۴۵) نیز عقیده دارند که این کشور از نام پادشاهی که در این جزایر مقیم و فعال بوده، گرفته شده است.

۲۸. کامرون

جای‌نام بین‌المللی این کشور Cameroon است. به عقیده [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۸۹) در این مطلقه از گذشته رود و کوهی با همین نام وجود داشته و احتمالاً نام کشور نیز بر مبنای این کوه یا رود شکل گرفته است. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۹۸) نیز در رشته کوه فاکو^۱، کوهی با نام کامرون وجود دارد؛ علاوه بر این، رودی نیز در سواحل غربی آفریقا است که نام کشور کامرون مأخوذ از این دو است.

۲۹. کنگو

جای‌نام بین‌المللی این کشور Congo است. به بیان [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۱۱۸) نام این کشور از مهم‌ترین رودخانه‌ای که از آن می‌گذرد نشأت می‌گیرد. بر اساس نظری، این نام از ریشه Bakongo که نام پادشاه کنگو بود، گرفته شده است. بنا به اعلام [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۷۸) نیز کنگو در اصل به معنای ساکنان اطراف رود کنگو است.

۳۰. کنیا

جای‌نام بین‌المللی این کشور Kenya است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۲۶۹) بیان می‌کند که این کشور در گذشته با نام‌های همچون /Iconium /Ikonyum /Ikonyon Kawania شناخته می‌شده است. به اعتقاد وی، نام کنونی این کشور برگرفته از نام کوهی با همین عنوان در این منطقه است. وی توضیحی در مورد ریشه نام این کوه ارائه نکرده است. به اعتقاد [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۸۰) نیز نام کنیا خود برگرفته از یکی از کوه‌های مرتفع شرق

1. Fako

آفریقا به نام کنیاست که از سال ۱۹۲۰ برای اشاره به این منطقه به کار می‌رود.

۳۱. گابن

جای‌نام بین‌المللی این کشور Gabon است. به گفته [اورت‌هیت](#) (۲۰۲۰، ص. ۲۸۷) به جهت قرار گرفتن کشورگابون در روی خط استوا و گرمای دائمی، آن را «کشور گرم» نیز نام داده‌اند. وی در مورد ریشه این جای‌نام اشاره می‌کند که چون این کشور در مستعمره پرتغالی‌ها بوده است، آن‌ها با توجه به شکل ظاهری این منطقه از کلمه پرتغالی «Gabao» برای آن استفاده کرده‌اند که دارای معنی «خرقه کلاه‌دار»^۱ است. این در حالی است که [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۸۴) نام گابون را منتسب به رودی با همین نام و از ریشه پرتغالی می‌دانند که سرتاسر این کشور را مشروب می‌سازد.

۳۲. گامبیا

جای‌نام بین‌المللی این کشور Gambia است. بنا به اعتقاد [اورت‌هیت](#) (۲۰۲۰، ص. ۱۸۰) این جای‌نام از نام رودی با نام «گامبیابه» که در این کشور جریان دارد، گرفته شده است. [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۸۵) نیز بیان می‌کنند نام این کشور از نامی رودی جاری در این منطقه می‌آید اما به خاطر شکل طویل و باریک آن به «سرزمین دراز» نیز مشهور است. همچنین بخاطر پیوستگی سرزمین و تاریخ گامبیا با سنگال بدان سنگامبیا Senegambia نیز گفته‌اند.

۳۳. گینه

جای‌نام بین‌المللی این کشور Guinea است. [اورت‌هیت](#) (۲۰۲۰، ص. ۱۹۸) عقیده دارد این نام از واژه بربری «aguinaw» به معنای «مرد سیاه‌پوست» یا اصطلاح کلی‌تر «akal n-iguinamen» به معنی «سرزمین مردان سیاه‌پوست» مشتق شده است. وی عقیده دارد که این نام را پرتغالی‌ها در قرن بیستم برای اطلاق به گستره‌ای از غرب آفریقا به کار برده‌اند. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۸۷) نیز نام گینه ابتدا از جانب پرتغالی‌ها در قرن ۱۵ میلادی و سپس از جانب سایر اروپاییان رواج پیدا کرد. براساس نظر آن‌ها، پرتغالی‌ها این نام را از نام یکی از پادشاهان

1. hooded cloak

قدیمی این سرزمین گرفته بودند.

۳۴. گینه بیسائو

جای‌نام بین‌المللی این کشور Guinea-Bissau است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۱۵۶) عقیده دارد که این کشور تا ۱۹۷۴ بخشی از گینه بوده است و پس از استقلال از این کشور و به‌منظور متمایز شدن از آن با نام گیمه بیسائو شناخته می‌شود. به نظر وی، «بیسائو» نام پایتخت این کشور و برگرفته از نام قوم مردمان این شهر یعنی قبیله «Bijago» است. [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۹۱) نیز بیان می‌کنند که بیسائو نام پایتخت این کشور است. از نظر آن‌ها این کشور در گذشته به نام «گینه پرتغال» نیز به کار می‌رفته است چراکه تا مدت‌ها مستعمره پرتغال بوده است.

۳۵. گینه استوایی

جای‌نام بین‌المللی این کشور Equatorial Guinea است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۱۵۶) عقیده دارد که با توجه به موقعیت جغرافیایی این کشور که واقع روی خط استواست، این نام به این سرزمین اطلاق شده است. [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۱۹۱) نیز بیان می‌کنند که این کشور به‌واسطه آن‌که روی خط استوا قرار دارد، به این نام شناخته می‌شود. از نظر آن‌ها این کشور در گذشته به نام «گینه اسپانیا» نیز به کار می‌رفته است؛ چراکه تا سال ۱۹۶۸ و اعلام استقلال خود، مستعمره اسپانیا بوده است.

۳۶. لسوتو

جای‌نام بین‌المللی این کشور Lesotho است. به نظر [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۲۹۳) این جای‌نام از واژه بومی «Basotho» به معنی «تیره‌پوست» گرفته شده است.

۳۷. لیبریا

جای‌نام بین‌المللی این کشور Librya است. به گفته [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۲۹۵) این جای‌نام در زبان رسمی این کشور به صورت Republic of Liberia به کار می‌رود. معنای تحت‌اللفظی این جای‌نام «سرزمین آزاد» است. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۲۰۰) نیز لیبریا به «سرزمین سیاهان»، «آمریکای سیاه»، «آمریکای

آفریقا»، «سرزمین آزادشدگان» و «هدیه آمریکا» نیز معروف است.

۳۸. لیبی

جای‌نام بین‌المللی این کشور Liby است. به باور [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۲۹۵) این جای‌نام برگرفته از نام مصری باستان «Levu» برای اطلاق به برخی قبایل بربر است. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۲۰۲) نیز این جای‌نام از نام قوم «Lebu» گرفته شده که گاه به صورت «Rebu» نیز نگاشته شده است. به اعتقاد آن‌ها، این واژه مربوط به مصر باستان بوده و یونانی‌ها آن را برای نامیدن اقوام ساکن در شمال آفریقا به کار برده‌اند.

۳۹. ماداگاسکار

جای‌نام بین‌المللی این کشور Madagascar است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۳۱۳) عقیده دارد که این نام را مارکوپولو، گردشگر ایتالیایی، در قرن ۱۳ میلادی در نتیجه یک برداشت اشتباه به این جزیره اطلاق کرده است. وی تلفظ عربی شهر «موگادیشو» را برای اشاره به این جزیره و ساحل سومالی را به اشتباه به کار برد و نام «ماداگاسکار» از آن پس رواج پیدا کرد. به نظر وی، اعراب از نام «القمر» با معنی تحت‌اللفظی «جزایر ماه» برای پوشش ماداگاسکار و کومور استفاده می‌کردند.

۴۰. مالاوی

جای‌نام بین‌المللی این کشور Malawi است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۳۱۳) عقیده دارد که این جای‌نام برگرفته از نام قوم «ماراوی» است که به زبان پرتغالی «مالاوی» تلفظ می‌شود. به نظر وی، کلمه «ماراوی» به معنی «شعله» است که بیانگر رسم این قوم در سوزاندن گیاهان خشک در فصول گرم به منظور آماده‌سازی کشت و کار در فصول بارانی است. این در حالی است که [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۲۰۷) عقیده دارد که در این منطقه، دریاچه‌ای به این نام وجود دارد.

۴۱. مالی

جای‌نام بین‌المللی این کشور Mali است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۳۱۹) بیان می‌کند که دو فرضیه در رابطه با جای‌نام محلی این کشور وجود دارد. براساس فرض نخست، این نام ممکن است از نام قوم «مالینکه»^۱ گرفته شده باشد. به نظر وی، فرضیه دیگر بیانگر این است که این جای‌نام از کلمه «کرگدن» گرفته شده است. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۲۱۰) در گذشته این کشور جزیری از سودان نام داشته و به واسطه نام قومی محلی به این نام معروف شده است.

۴۲. مراکش

۴۳. مغرب

جای‌نام بین‌المللی این کشور Morocco است. به عقیده [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۳۱۳) این جای‌نام در زبان ایتالیایی به صورت Moroc و در زبان فرانسوی به صورت Marruecos و در عربی به صورت maghrib به معنای «محل غروب آفتاب» به کار می‌رود. براساس نظر وی، نام مراکش برگرفته از نام عربی «Marrakech» پایتخت سابق این منطقه است. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۲۱۶) نام مراکش مأخوذ از مور Moor است و آن نامی است که رومیان باستان بر ساکنان قسمت غربی شمال آفریقا اطلاق می‌کردند. به نظر آن‌ها «مور» در زبان‌های اروپایی هم معنی «مسلمانان» و هم معنی «عرب» می‌دهد و پسوند «کو» نیز نشان‌دهنده کشور است و در نتیجه معنای تحت‌اللفظی آن «کشور اعراب و مسلمانان» است. آن‌ها نیز به این که نام موراکو قبل نام یکی از شهرهای این کشور بوده اشاره می‌کنند و عقیده دارند در بین کشورهای عربی، «مغرب‌الاقصى» برای اشاره به این کشور به کار می‌رود.

۴۴. مصر

جای‌نام بین‌المللی این کشور Egypt است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۱۵۰) عقیده دارد که این جای‌نام در زبان عربی به صورت «Misr» و در زبان مصر باستان، قبطی، به صورت «Khemi» به کار می‌رود. وی اشاره می‌کند که واژه Khemi به معنی «سرزمین سیاهان» است که به مردمان و همچنین رنگ خاک این منطقه در نقاطی که تحت

1. Malinke

تأثیر سیل رود نیل باقی مانده‌اند، اشاره دارد. واژه Misr نیز از سوی جنگجویان عرب ساکن در حجاز در قرن ۷ میلادی اطلاق شد که کلمه‌ای سامی به معنی «شهر مرزی» است. به اعتقاد وی، واژه Egypt نیز یونانی است که اروپاییان برای اشاره به این کشور به کار می‌بردند که آن نیز معنی «خاک سیاه» می‌دهد. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۲۱۳) نیز کلمه Egypt یونانی و به معنی «خاک سیاه» است. یونانیان باتیتان به این دلیل این نام را به این منطقه داده‌اند که به هنگام طغیان نیل، خاک سیاه و حاصلخیزی در اطراف این منطقه نمایان می‌شد. براساس نظر شاهمیری (۱۳۹۸، ص. ۲۰۲) نام مصر در واقع ابداع ایرانیان باستان بوده و واژه‌ای فارسی است. براساس نظر وی، احتمالاً این نام ریشه در «میتر و میثره» اوستایی دارد که امروزه در فارسی «مهر و میترا» خوانده می‌شوند.

۴۵. موریتانی

جای‌نام بین‌المللی این کشور Mauritania است. باور [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۳۳۰) عقیده دارد که این جای‌نام از دو بخش تشکیل شده است. بخش نخست یعنی «Mauri» از نام قوم موری به‌عنوان بزرگ‌ترین قوم این کشور و بخش دوم یعنی «ania» نیز به معنی «سرزمین» است. براین اساس، معنی تحت‌اللفظی این جای‌نام «سرزمین موری‌ها» است. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۲۲۳) نیز اروپائیان این نام را که از ساکنان شمال غربی افریقا که مور mauri نامیده می‌شدند اخذ کرده بودند.

۴۶. موریس

جای‌نام بین‌المللی این کشور Mauritius است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۳۳۰) این منطقه تا مدت‌ها تحت استعمار هلند قرار داشت و بر همین اساس نام آن نیز برگرفته از نام حاکم هلند در فاصله سال‌های ۱۵۸۵ تا ۱۶۲۵ است.

۴۷. موزامبیک

جای‌نام بین‌المللی این کشور Mozambique است. [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۳۳۰) عقیده دارد که این کشور در دوره‌های مختلف اسامی مختلفی داشته که عمدتاً براساس نام حکمرانان این منطقه بوده است. نام موزامبیک نیز برگرفته از نام یکی از آن پادشاهان است. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۲۷۵) نیز نام موزامبیک برگرفته از نام یک شهر است. به اعتقاد آن‌ها، فردی به نام «موسی اسامیق» شهری در این منطقه را توسعه داد و سپس پرتغالیان

نام آن شهر را به کل کشور اطلاق کردند. نام این فرد در تلفظ پرتغالی ابتدا «موسامبیک» و سپس موزامبیک شده است.

۴۸. نامیبیا

جای نام بین‌المللی این کشور Namibia است. بنا به اعلام [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۳۶۱) ریشه این جای نام به نام صحرای «Namib» به عنوان بزرگ‌ترین گستره جغرافیایی این منطقه برمی‌گردد. وی اشاره می‌کند که این واژه در زبان محلی مردمان این منطقه مفهومی با عنوان «سرزمینی که در آن هیچ چیز رشد نمی‌کند» دارد. به بیان [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۲۲۸) نیز عقیده دارند که نام این کشور از نام بیابانی در غرب این کشور و در امتداد اقیانوس اطلس گرفته شده است.

۴۹. نیجر

جای نام بین‌المللی این کشور Niger است. به اعلام [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۳۷۶) جای نام این کشور از واژه اسپانیایی Negro گرفته شده است. این واژه برای اشاره به سپاهان آفریقایی به کار می‌رفته است. [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۲۳۵) نیز عقیده دارند که «نیجر» به معنی سیاه و تیره است و برای اشاره به سپاه‌پوستان آفریقایی ساکن در این منطقه به کار می‌رفته و به تدریج برای اشاره به کشور نیز رواج پیدا کرده است.

۵۰. نیجریه

جای نام بین‌المللی این کشور Nigeria است. به اعلام [اورت‌هت](#) (۲۰۲۰، ص. ۳۷۶) جای نام این کشور از رودخانه معروف «نیجر» گرفته شده است که از میان آن می‌گذرد. [خیراندیش و شایان](#) (۱۳۷۰، ص. ۲۳۵) نیز عقیده دارند که نام این کشور از نام رودی با همین نام گرفته شده است.

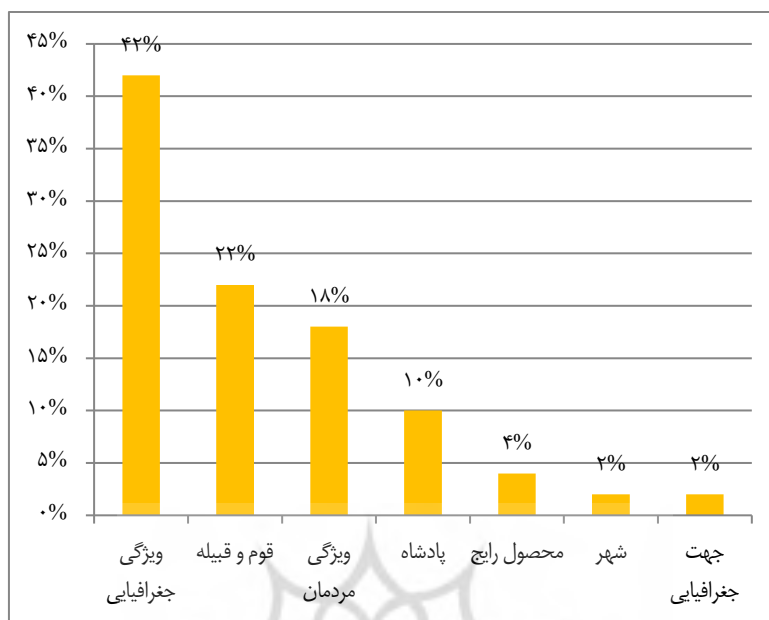
۲-۵ بحث و بررسی

پس از ارائه اطلاعات مربوط به بحث ریشه‌شناسی کشورهای آفریقایی، شامل ۵۰ جای نام، در این بخش به بررسی زبان‌شناختی آن‌ها براساس دو معیار مورد نظر پژوهش حاضر پرداخته و تبیین‌های حاصل از این بررسی ارائه خواهد شد.

معیار نخست برای بررسی جای نام‌ها مربوط به تعیین عامل اصلی در نام‌گذاری هر کشور بود. بررسی داده‌ها

نشان می‌دهد که می‌توان ۷ عامل را در تعیین جای‌نام کشورهای آفریقایی دخیل دانست. توزیع فراوانی این عوامل نشان داد که در ۲۱ کشور ویژگی جغرافیایی، در ۱۱ کشور نام قوم یا قبیله، در ۹ کشور ویژگی مردمان، در ۵ کشور نام پادشاه، در ۲ کشور نام محصول رایج، و نهایتاً در ۱ کشور نام شهر و در ۱ کشور نیز نام جهت جغرافیایی در تعیین جای‌نام نقش داشته‌اند. به‌عنوان مثال، آفریقا احتمالاً از واژه‌ای لاتینی یا یونانی به معنای «سرزمین بدون سرما» گرفته شده است؛ در نتیجه معیار **ویژگی جغرافیایی** در نام‌گذاری آن نق اصلی را داشته است. جای‌نام لیبی برگرفته از نام مصری باستان «Levu» برای اطلاق به برخی قبایل بربر است و در نتیجه مهم‌ترین عامل در نام‌گذاری این کشور نام **قبیله** است. بر همین اساس، جای‌نام اتیوپی از صورت‌های لاتینی Aethiops و یونانی Aithiops به معنی «چهره آفتاب‌سوخته» گرفته شده که براین اساس، معیار **ویژگی مردمان** نقش اصلی در نام‌گذاری این کشور داشته است. در مورد آنگولا نیز بیان شد که در قرن ۱۵ میلادی پرتغالی‌ها به این منطقه آمده و نام پادشاه منطقه، Ngola Kiluanie، را به‌عنوان نام این کشور برگزیدند؛ در نتیجه معیار نام پادشاه عامل نام‌گذاری این کشور بوده است. نام ساحل عاج را اروپاییان و خصوصاً تجار پرتغالی و فرانسوی که به خریدوفروش عاج فیل مشغول بودند، به این منطقه داده‌اند؛ براین اساس، معیار **محصول رایج** به‌عنوان عامل اصل در نام‌گذاری این کشور شناخته می‌شود. نام کشور ماداگاسکار نیز براساس معیار نام شهر رایج شده است چراکه نقل شده است که مارکوپولو در قرن ۱۳ میلادی در نتیجه یک اشتباه، تلفظ عربی شهر «موگادیشو» یعنی پایتخت سومالی را برای اشاره به این منطقه به صورت ماداگاسکار به کار برد. جای‌نام مغرب نیز با توجه به معنی عربی این واژه برگرفته از معیار **جهت جغرافیایی** است؛ بنابراین می‌توان سلسله‌مراتبی به‌نحویز برای عوامل دخیل در نام‌گذاری کشورهای آفریقایی در نظر گرفت که درصد فراوانی هر کدام نیز در نمودار زیر قابل مشاهده است:

ویژگی جغرافیایی < قوم و قبیله > ویژگی مردمان < پادشاه > محصول رایج < شهر / جهت جغرافیایی



نمودار ۱- درصد فراوانی عوامل اجتماعی دخیل در نام‌گذاری کشورهای آفریقایی

باید توجه داشت که بالاترین عامل در نام‌گذاری کشورهای آفریقایی ویژگی جغرافیایی است که نشان می‌دهد که ویژگی‌های منحصربه‌فرد آب و هوایی و همچنین رودها، کوه‌ها و جنگل‌های بیشمار این قاره نقشی اساسی در نام‌گذاری کشورهای این منطقه دارند. بعد از این ویژگی، نام قوم و قبیله نیز نقش پررنگی در نام‌گذاری کشورهای آفریقایی دارد که نشان‌دهنده ارتباط فرهنگی بالای مردمان این مناطق با اصل و ریشه بومی خود است.

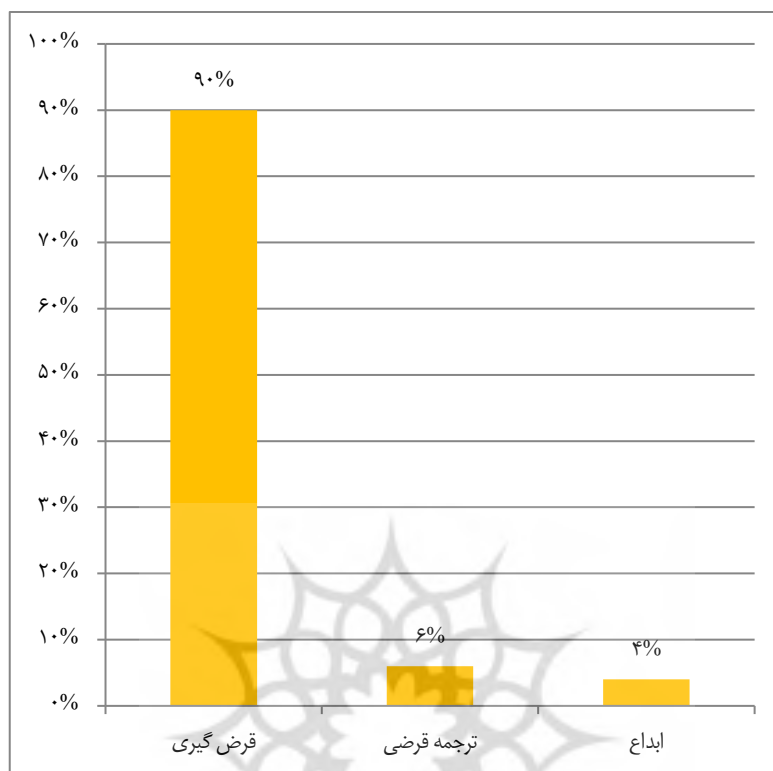
جدول ۱
عوامل اصلی نام‌گذاری کشورهای آفریقایی

عامل اجتماعی	تعداد	جای نام‌ها
ویژگی جغرافیایی	۲۱	آفریقا (جنوبی و مرکزی)، اریتره، الجزایر، تانزانیا، توگو، تونس، غنا، جیبوتی، چاد، دماغه سبز، زامبیا، زیمبابوه، سنگال، کامرون، کنگو، کنیا، گابن، گامبیا، مصر، نامیبیا، نیجریه.

عامل اجتماعی	تعداد	جای‌نام‌ها
قوم و قبیله	۱۱	اسواتینی، بنین، بوتسوانا، بروندي، رندا، سومالی، لیبی، مالاوی، مالی، مراکش، موریتانی.
ویژگی مردمان	۹	اتیوپی، بورکینافاسو، سودان، گینه، گینه بیسائو، گینه استوایی، لسوتو، لیریا، نیجر.
پادشاه	۵	آنگولا، اوگاندا، سیشل، موریس، موزامبیک.
محصول رایج	۲	سیرالئون، ساحل عاج.
شخص	۱	ماداگاسکار
جهت جغرافیایی	۱	مغرب

معیار دوم برای بررسی جای‌نام‌ها مربوط به مباحث ترجمه‌شناسی آن‌ها به زبان فارسی بوده است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد جای‌نام ۴۵ کشور آفریقایی از طریق قرض‌گیری، ۳ کشور از طریق ترجمه قرضی و ۲ کشور از طریق فرایند ابداع در فارسی رایج شده‌اند. به‌عنوان مثال جای‌نام آفریقا با اندک تفاوت تلفظی مستقیماً از زبان فرانسوی در فارسی قرض‌گیری شده است. جای‌نام ساحل عاج نیز ترجمه قرضی از واژه فرانسوی این کشور یعنی Ivory Coast است. جای‌نام مصر را نیز می‌توان مثالی از فرایند ابداع در کاربرد جای‌نام کشوری آفریقایی در زبان فارسی دانست؛ چراکه نام واژه مصر در واقع ابداع ایرانیان باستان بوده و واژه‌ای فارسی است. این نام احتمالاً ریشه در «میر و میثره» اوستایی دارد که امروزه در فارسی «مهر و میترا» خوانده می‌شوند (شاهمیری، ۱۳۹۸)؛ بنابراین می‌توان سلسله‌مراتبی به نحو زیر برای فرایندهای واژه‌سازی فارسی در نظر گرفت که درصد فراوانی هر کدام نیز در نمودار زیر نیز قابل مشاهده است:

قرض‌گیری < ترجمه قرضی < ابداع



نمودار ۲- درصد فراوانی فرایندهای واژه‌سازی
در نام فارسی کشورهای آفریقایی

بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که برخلاف کشورهای اروپایی و آسیایی در هیچ کشور آفریقایی از پسوند فارسی-ستان استفاده نشده است و در نتیجه عامل قرض‌گیری نقش پررنگی در نام فارسی کشورهای آفریقایی دارد.

جدول ۲

ترجمه‌شناسی جای‌نام‌های کشورهای آفریقایی به فارسی

فرایند	تعداد	نام جای
قرض‌گیری	۴۵	مغرب، ماداگاسکار، موزامبیک، سیرالئون، آنگولا، اوگاندا، سیشیل، موریس. اتیوپی، بورکینافاسو، سودان، گینه، گینه بیسائو، لسوتو، لیریا، نیجر، اسواتینی، بنین، بوتسوانا، بروندي، روندا، سومالی، لیبی، مالاوی، مالی، مراکش، موریتانی، آفریقا، اریتره، تانزانیا، توگو، تونس، غنا، جیبوتی، چاد، زامبیا، زیمبابوه، سنگال، کامرون، کنگو، کنیا، گابن، گامبیا، نامبیا، نیجریه.
ترجمه قرضی	۳	دماغه سبز، ساحل عاج، گینه استوایی.
ابداع	۲	الجزائر، مصر

۶ نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رده‌شناختی معیارهای اجتماعی و همچنین ترجمه‌شناسی جای‌نام کشورهای آفریقایی صورت گرفت. با توجه به اینکه نام کشورهای آفریقایی کمتر مورد توجه زبان‌شناسان داخلی قرار گرفته است، در این پژوهش تلاش شد تا با استناد به منابع معتبر ریشه‌شناسی نام این کشورها مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این پژوهش در مورد هدف نخست نشان داد که در قاره آفریقا هفت معیار اجتماعی شامل ویژگی جغرافیایی، قوم و قبیله، ویژگی مردمان، پادشاه، محصول رایج، شخص و جهت جغرافیایی در نام‌گذاری کشورها در عرصه بین‌المللی نقش دارند که در این بین بالاترین بسامد را ویژگی جغرافیایی دارد. این تناسب نشان می‌دهد که ویژگی‌های منحصربه‌فرد آب و هوایی و همچنین رودها، کوه‌ها و جنگل‌های بیشمار این قاره نقشی اساسی در نام‌گذاری کشورهای این منطقه دارند. در مورد هدف دوم نیز مشخص شد که نام بین‌المللی کشورهای آفریقایی از سه روش قرض‌گیری، ترجمه قرضی و ابداع در زبان فارسی به کار می‌روند که در این بین بالاترین بسامد متعلق به فرایند قرض‌گیری است. شایان ذکر است که نام دو کشور آفریقایی در زبان فارسی از طریق فرایند ابداع به کار می‌روند که این نام‌ها در برخی کشورهای دیگر نیز کاربرد پیدا کرده است. نتایج پژوهش حاصل، می‌تواند علاوه بر زبان‌شناسی در حوزه‌های همچون تاریخ،

جغرافیا و مردم‌شناسی به پژوهشگران دید بهتری نسبت به کشورهای آفریقایی ارائه دهد. نگارندگان انجام پژوهش‌های مشابه برای جای نام کشورهای سایر قاره‌ها بر مبنای اصول زبان‌شناسی اجتماعی را به عنوان راهکاری برای دستیابی به الگوهای جهانی در زمینه نام‌گذاری کشورهای دنیا، پیشنهاد می‌دهند.



کتابنامه

- ابوالقاسمی، م. (۱۳۸۹). ریشه‌شناسی (ایتمولوژی). ققنوس.
- احدیان، م. م. (۱۳۸۸). بررسی ریشه‌شناختی دو جای‌نام در استان همدان نه‌آوند و آدراپانا. فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۴ (۱۵). صص ۱۸۶-۲۸۱.
- احدیان، م. م. (۱۳۸۹). بررسی ساختار صرفی جای‌نام‌های استان همدان. فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، ۷ (۴). صص ۱۸.
- اسدی، س. ا. (۱۳۸۹). بررسی نام‌گذاری در شهر سنندج از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور استان همدان، دانشکده علوم انسانی.
- افشار سیستانی، ا. (۱۳۸۲). پژوهشی در نام شهرهای ایران. روزنه.
- آساطوریان، گ. (۱۳۹۸). وند لاه در اعلام جغرافیایی حوزه کاسپین. نشریه پژوهش‌های زبانی - ادبی قفقاز و کاسپین. سال اول. صص ۱۱-۲۱.
- آساطوریان، گ. (۱۴۰۰). جای‌نام گردمان در ارمنستان از کجا می‌آید. پژوهش‌های زبانی - ادبی قفقاز و کاسپین، ۳ (۱). صص ۷-۱۲.
- آلبانی، م. (۱۳۹۰). بررسی کلان جای‌نام‌های استان گیلان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان.
- باستانی‌راد، ح. و، مردوخ، د. (۱۳۹۲). گونه‌شناسی جای‌نام‌ها در جغرافیای تاریخی ایران. مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۷ (۱۲). صص ۵۰-۲۱.
- بختیاری، ر. و، احدیان، م. م. (۱۳۸۸). درآمدی بر جای‌نام‌شناسی ایران. جستارهای نوین ادبی، ۱۶۸، صص ۱۹۹-۱۸۱.
- برجیان، ح. (۱۳۹۸). جای‌نام‌شناسی البرز مرکزی. زبان و کتبه، ۳۳. صص ۳۰-۳۹.
- جردن، ت. و، روان‌تری، ل. (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگ. ترجمه سیمین تولای و محمد سلیمانی. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حیدری، ا. و، برآبادی، س. ا. (۱۳۹۹). جای‌نام‌شناسی آبادی‌های شهرستان بیرجند. پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- حیدری، ر. و، اسماعیلی جلودار، م. (۱۳۹۹). پیشنهادی بر جای‌نام‌شناسی شهر ترشیز بر اساس مطالعات میان‌رشته‌ای. مطالعات باستان‌شناسی، ۱۲ (۲). صص ۱-۲۱.
- خیراندیش، ر. و، شایان، س. (۱۳۷۰). ریشه‌یابی نام و پرچم کشورها. انتشارات کویر.
- رجب‌زاده، ا. (۱۳۷۸). تحلیل اجتماعی نام‌گذاری. بررسی موردی اراک، همدان و بوشهر. نشر روش.
- رضایی، ا. (۱۳۹۷). از خلمان تا آلون سرگذشت چهار هزار ساله؛ یک جای‌نام‌باستانی. پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۸ (۱). صص ۳۷-۵۶.

- رفاهی علمداری، ف. (۱۳۹۳). مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونمی‌های ایران. رخسار.
- زندى، ب.، نصیری، پ.، و رادنیری، س.ا. (۱۳۹۴). بررسی پدیده دوزبان‌گونه‌گی در شهر اردبیل از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی. زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. ۷(۱۳). ۸۹-۱۰۷.
- زندى، ب.، و احمدی، ب. (۱۳۹۵). نام‌شناسی از منظر زبان‌شناسی شناختی-اجتماعی با تأکید بر بافت کاربرد - بنیاد. فصل‌نامه زبان‌شناسی اجتماعی. ۲(۱۸). صص ۱۹۳-۲۱۲.
- زندى، ب.، متشرعی، س. م.، و یوسفی‌راد، ف. (۱۴۰۰). نقشه راه مطالعات نام‌شناسی. از رویکرد سنتی تا رویکرد شناختی-اجتماعی. فصل‌نامه علمی - پژوهشی زبان‌شناسی اجتماعی. ۲(۴). صص ۱۱-۲۸.
- سبزعلیپور، ج. (۱۳۹۶). تاملی بر جای نام‌شناسی منطقه تات زبان شاهرود خلخال. زبان فارسی و گویش ایرانی. ۲(۲). صص ۱۸۴-۱۶۳.
- سبزعلیپور، ج.، و جعفری دهقی، ش. (۱۴۰۰). تأثیر نماز بر نام‌گذاری اوقات شبانه‌روز در زبان‌های ایرانی. زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. ۱۳(۲). ۱۱۱-۱۳۶.
- شاهمیری، ا.ش. (۱۳۹۸). واژگان ایرانی بر نام کشورهای جهان. کانون نشر علوم.
- طامه، م. (۱۳۹۸). سازه‌های جای نام‌ساز در جای نام‌های ایرانی و طبقه‌بندی آن‌ها. طرح انجام شده برای گروه مطالعات سیاسی. انتخابات حقوقی و تقسیمات کشوری.
- طیب، م.ت.، و علی‌نژاد، ب. (۱۳۸۲). بررسی گرایش‌های جدید نام‌گذاری در اصفهان از دیدگاه زبان‌شناسی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. ۳۲(۳). صص ۲۹.
- قلعه‌خانی، گ.، و دورودی، م. (۱۳۹۸). بررسی ریشه‌شناختی تعدادی از جای نام‌ها با ساختاری کهن در گویش مردم شیراز. فصل‌نامه زبان‌شناسی اجتماعی. ۳(۱). صص ۱۰۳-۱۱۴.
- کیشه‌خاله، م.، و ملیحی، ش. (۱۳۹۵). بررسی جای نام‌های بخش اسالم شهرستان تالش. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. ۱۱: صص ۹۷-۱۱۴.
- مدرسی، ی. (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مولایی کوهبنانی، ح.، اورکی، ا.، و ایران‌پور، ف. (۱۴۰۳). مطالعه زبان‌شناختی جای نام کشورهای اروپایی. فصل‌نامه علمی - پژوهشی زبان‌شناسی اجتماعی. ۷(۴). ۱-۲۳.
- نقیسی، ن. (۱۳۹۸). پیشنهادی در ریشه‌شناسی جای نام ابهر. پژوهش‌های زبانی ادبی قفقاز و کاسپین. ۱(۱). صص ۷۹-۸۶.
- نوبان، م. (۱۳۷۴). نام مکان‌های جغرافیایی در بستر زمان. نشر ماه.
- یداله‌ی کاخ، ا. (۱۳۸۹). بررسی نام‌گذاری شهر کرمان از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام

نور. واحد تهران.

- Agyekum, K. (2006). The Sociolinguistics of Akan personal names. *Nordic Journal of african Studies*. 15(2). PP 206-235.
- Algeo, J. (1992). Onomastics. In: Tom Mcarthur (Ed.), *The Oxford Companion to the English Language*. Oxford University Press.
- AL-Zumor, A. (2009). A socio- cultural and linguistics analysis of Yemeni Arabic per sonal names. *GEMA online Journal of language studies*, 2, 15-27.
- Burns, A. (2015). *Field- names of North –East Scotland: A socio-onomatic study* (Unpublished doctoral dissertation). University of Glasgow.
- Coates, R. (2013). Onomastics. In C. Chapelle, (Ed). *The Encyclopedia of Applid linguistics*. Oxford: Wiley-Blackwell.
- Crystal, D. (2008). *Dictionary of linguistics and phonetics*. Oxford: Blackwell.
- Everett-Heath, J. (2020). *The concise Oxford dictionary of the world place-names*. 6th edition. Oxford: Oxford Univerdity Press
- Farkas, T. (2015). Changing Names as Abolishing the Difference: Personal Names as Ethnic Symbols, Characteristics of Surname Changes and the Magyarization of Surnames in Hungary.
- Kehl, F. (1971). Chinese Nchnaming Behaviour: A Sociolinguistic Pilot Study, *Journal studies*, 9.
- Labav, W. (1972) *Sociolinguistic paternts*. Piladlphia: University of pennsylvania press.
- Ogunwale, J.A (2012). A Pragmainguistics Study of Yoruba Personal Names. *Journal of Literary Onomastics*, 2(1).
- Raper, P.E. (1991). *Dictionary of Southern African Place Names*. Onomastic Research Centre, HSRC.
- Raper, P. Moller, L. (2014). *Dictionary of Southern African Place Names*. UK: Jonathan Ball.
- Ven langendonck, W. (2007). *Theory and typology of proper names* (Trands in Language .Berlin: Mouton de Gruyter.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی